

## خبرشوک آور تخریب بیمارستان رازی قائم شهر (استان مازندران)

امیرجوهری لنگرودی

[andishe.gbg@hotmail.com](mailto:andishe.gbg@hotmail.com)



تو گویی مردم در جامعه ما زندگی نمی‌کنند بلکه فقط برای زنده ماندن تلاش می‌کنند. مراد من از مردم، نه از ما بهتران یک سر دو گوش، بلکه مردمی‌ست که از صبح تا شام برای به دست آوری یک لقمه نان، دو شغله و سه شلغه‌اند و به هر سویی می‌دوند، با اینهمه با شکم گرسنه سر بر بالین می‌نهند. نه یک تن بلکه هزاران هزار، میلیون‌ها تن افزون بر میلیون‌ها در جای جای ایران ویران!

حدود ساعت چهار صبح امروز پنجشنبه اول شهریور ۱۴۰۳ در دل تب و تاب بیماری و بیحالی و تب و لرزی که داشتم در اینستاگرام آقای کیانوش توکلی، از پست ایشان با خبر «شوک بزرگ در قائمشهر، بیمارستان رازی قائم شهر فردا با حکم قضائیه تخریب می‌شوند، آنهم به شکایت اداره اوقاف» مواجه شدم. آقای کیانوش در پست اینستاگرامی‌اش نوشت: «جالب است برای آنان که نمی‌دانند نه مقبره‌ایی است و نه گوری. تنها نماد آن درختی تنومند چند هزار ساله است که ملت به آن دخیل می‌بستند و پای آن شمع می‌افروختند. خمینی جلاد می‌گفت درآمد اوقاف را بدهید به ما کشور را آباد می‌کنیم. بفرما این حاصل به قدرت رسیدن اسلامیت‌هاست». من که اهل لنگرود گیلانم و کیانوش مازندرانی، نیک می‌دانیم: در سراسر شمال ایران (گیلان و مازندران) از این امامزاده بی‌غیرت‌ها در جای جای شمال که از قدیمی‌ترین ایام مأمّن اعوان و انصار تیپ و طایفه شیعیان علوی بودند، از این امامزاده‌های بی‌بوی و خاصیت که هنوز که هنوز از طریق اداره اوقاف که بالاترین مرجع دیوان اختاپوسی و بلکه مافیایی کشور است که از زمان نظام پیشین تا به امروز کسانی بر آن چنگ انداخته‌اند وجود دارد و بر این خان نعمت سوارند و اسب خود را نسل اندر نسل زین می‌کنند و برای این تشکیلات مالی تعیین وظیفه مینمایند. این حضرات برحسب گشاد و درازی عبا و عمامه خود تعریف برای این تشکیلات و شبکه عریض و طویل آن تعریف تراشیده‌اند: این سازمان شامل مدیریت موقوفات عام، فاقد متولی، موقوفات خاصه و اماکن مذهبی اسلامی، اثلاث باقیه

و بقعه‌های متبرکه، همچنین محبوسات، نذور، صدقات و هر مال دیگری که به غیر از عنوان وقف برای امور عام‌المنفعه و خیریه اختصاص یافته و نیز اداره مؤسسات و انجمن‌های خیریه است.

همین تعاریف ذهن پرکن، این سازمان را مدعی عموم ساخته و درست این تشکیلات مافیایی و پیچ اندرپیچ در دل اعتراضات و اعتصابات به هم پیوسته پرستاران تا حدی سراسری از جمله استان مازنداران، به نشانه سرکوب دولتی در انحراف اذهان عمومی و مردم قائم شهر، در زد و بندی با دستگاه قضایی تا بن دندان فاسد، دست به تخریب این بیمارستان یا بخشی از آن زده‌اند.

خبرگزاری تسنیم نزدیک به دستگاه سپاه پاسداران که در خبرسازی ید طولانی داشته و دارد... با ساختن سناریویی نسبت به ساخت این بیمارستان بعد از نود و بوقی در تاریخ سی‌ام مرداد با تیتراژ: «ماجرای تخریب بخشی از بیمارستان رازی قائمشهر چه بود؟» آورده است: «در دولت قبل از انقلاب در انتصاب با برجسته کردن خبر «بقعه مبارکه حضرت امامزاده یوسف رضا (ع) یکی از با سابقه‌ترین بقاع استان و مورد توجه ویژه قاطبه مومنین و مردم ولایی منطقه بوده و می‌باشد که تنها قدمت یکی از موقوفات مرتبط با بقعه مذکور به قرن نهم هجری قمری بنام موقوفه آقا رستم روزافزون می‌رسد.» و ادامه می‌دهد: «فردی بنام محمود افشار طوس بعنوان سر بلوک مازندران، گیلان و گرگان که مسئول اجرای طرح تملک دارائی بوده، حدود سال‌های ۱۳۱۰ نسبت به تخریب بقعه امامزاده یوسف رضا و ساخت درمانگاه در همان موقعیت اقدام نموده است.» (۱)

معلوم نیست اعوان و انصار این امامزاده درست در چنین شرایطی در سازمان اوقاف این شهر ظاهر شدند و ادعای ارث و میراث دارند و بیمارستانی که درست رئیس جمهور شهیدشان آیت الله قاتل ابراهیم رئیسی در حضور ارباب جراید و همه اعظم ظلم و فساد آن منطقه در باب دیدگان مردم بیمارستان رازی را گشود و مردم هورا کش آن قاتل کف می‌زدند... آن روز گور بودند و نمی‌دیدند که این زمین قصبی و مربوط به ورثه «آقا رستم روزافزون» است؟

اما خبرگزاری مهر گزارش داده که: «عباس پوریانی رئیس کل دادگستری مازندران در بازدید از بیمارستان رازی قائمشهر درباره مشکلات پیش آمده فیما بین اداره اوقاف و بیمارستان رازی، اظهار کرد: بیش از ۱۰ سال قبل، رأی قطعی مبنی بر خلع ید و قلع و قمع بیمارستان صادر شد که در این پرونده خواهان اداره کل اوقاف استان بوده است...» و از قول پوریانی نوشته: «با توجه به لازم‌الاجرا بودن حکم قطعی صادره، پیشنهاد شد، با انعقاد قرارداد اجاره فیما بین بیمارستان و اداره اوقاف، قسمتی از ملک جهت استفاده درمانی، توسط اداره اوقاف به بیمارستان اجاره داده شده و مشکلی در روند خدمات رسانی به بیماران گرامی وارد نشود و در این راستا جلساتی بین بیمارستان علوم پزشکی، اوقاف و بیمارستان رازی برگزار خواهد شد تا با انجام تصمیمات صحیح، آنچه در حوزه بهداشت و درمان، به صلاح مردم است، محقق شود. مردم مطمئن

باشند قلع و قمع فقط در بخش‌هایی از بیمارستان که استفاده خاصی نداشته اجرا می‌شود و حکم تخریب بخش‌های درمانی را شامل نخواهد شد.» (۲)

آقا مگر مرض دارید بخشی از بیمارستان را که برایش از مالیات همین مردم پا برهنه، کارگران و تلاش کشاورزان منطقه ساخته شده، فرو می‌ریزد تا های و هوی کنید که ما هستیم و نمی‌گذاریم آب خوش از گلوی مردم پائین رود.

نظامی که بالادستی‌هایش مدعی‌اند "زحمت پزشکان و پرستاران قطعا ثواب الهی دارد"، معلوم نیست چه دست‌هایی در کارند که نگذارند این چرخه ناساز بگردد و آجر رو آجر بند گردد... هنوز نساخته ویران می‌کنند تا جمعی را فراری دهند که میزان پزشکان و پرستاران مهاجر از شمار فزون است. چه کسی مقصر این بی‌سیاستی‌ها و فزون‌طلبی‌های ویرانگر جامعه ایران است؟

اداره اوقاف که متولی امامزاده‌های بی‌نام و نشان است، یا گردانندگان گردن کلفت و شکم گنده آن که با عمامه علمایی متقال سیاه و سفید ۱۲ تا ۱۴ متری گردنی را می‌پیچانند تا گردن‌هایی را بفشارند و خفه‌شان کنند تا صدایی شنیده نشود.

امروز ایران زیرسایه سیاه رژیم‌های نفس می‌کشد که عامل خارجی بیش از هر موقع دست بالا را در چرخش حیات سیاسی و اجتماعی (تحریم‌های گسترده امپریالیستی) و تهدیدات نظامی و تجاوزکارانه تا عمق دستگاه امنیتی نظام (توسط اسرائیل صهیونیستی) بیش از هر موقعی به جامعه ما سنگینی می‌کند. فضای سرکوب امنیتی و تحمیل شرایط جنگی، گذران زندگی مردم را ناممکن کرده است. مردمی که نمی‌توانند از فضای کربلایی اربعین چه در بعد مذهبی و چه در سیاست بیرون بیایند و نفرین و عزاداری را جانشین عمل سیاسی مسئولان‌شان کرده‌اند و شبکه‌های مافیایی همچنان سکانتار گردش کار برگزیده رهبرند... به دشواری خواهند توانست گناه ترسویی و نزدیک بینی خود را به گردن دیگران بیندازند... این تجربه چهل و پنج ساله سیاسی برای هر کشوری در جهان کافی می‌بود که بیماری سیاسی خود را از زیر قید اختاپوسی به نام نظام ضد انسانی جمهوری اسلامی رها سازد و درمان کند. آیا این زمان کافی نیست؟

منابع:

۱) خبرگزاری تسنیم، ماجرای تخریب بخشی از بیمارستان رازی قائمشهر چه بود؟ ۳۰ مرداد ۱۴۰۳

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1403/05/30/3144836>

در باب نوشته محمود افشار طوس مدعایی تسنیم باید بنویسم: ما در تاریخ ایران دو افشار توس داریم. یک سلسله افشاریه

دکتر محمود افشار مدیر روزنامه آینده سال ۱۳۰۲ بود که فارغ تحصیل رشته علوم سیاسی از اروپا، که روزنامه اش را در تهران منتشر می‌کرد

یک محمود افشار توس داشتیم که در سرجوانی طرفدار رضا خان میرپنج بود پس از دوره نخست وزیری حاج علی رزم آرا و شدت گرفتن مبارزات سیاسی ملی گراها، این فرد دچار تحول فکری و ایتولوژیک شد و از طرفدارن سرسخت دکتر محمد مصدق گردید. با وجود دریافت و عده پست نخست‌وزیری، اما «تیمسار» درخواست محمدرضا شاه

برای کودتای ارتش علیه دولت محمد مصدق را رد کرد و حاضر نشد انسانیت و شرافتش را به این وعده بفروشد.. این شخصیت انسان وقتی از نیت پلید شاه و امرای بازنشسته ارتش و اصرارشان بر قتل نخست‌وزیر وقت دکتر مصدق مطمئن شد، با به خطر انداختن جان خودش، جان دایی همسرش را از مهلکه حتمی مرگ نجات داد. ... اما خودش قربانی شوم همان عوامل رز و زور کودتاگران شد و پیکر طناب پیچ تیمسار افشارطوس در کوههای تلو جاده لشکرک پیدا کردند»(سایت فرا رو) امروز بحث من بازپرداختن به وجوه تاریخی زندگی افشار توس ها نبوده و نیست بلکه راستی نگاری و نشان دادن وسیه درست تاریخ است ...

برگرفته از (سایت فرا رو، پشت پرده پیکر طناب پیچ رها شده در غار...)

<https://fararu.com/fa/news/551885>

(۲) خبرگزاری مهر، مشکل بیمارستان رازی قائمشهر با ورود دستگاه قضایی حل شد، ۱ شهریور ۱۴۰۳)

<https://vista.ir/n/mehrnews-zylj5>